پیشخوان

در معرفی «یادنامه علامه ذوالفنون آیت‌الله حسن حسن‌زاده آملی»

سیمای جامعیت علمی در آیینه یک بزرگداشتنامه جامع

■ شاهد توحیدی

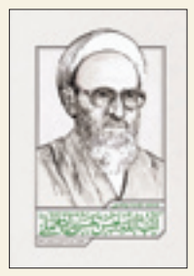

در این یادداشت درصددیم تا یادمانی دیگر برای علامه فقید، زنده‌یاد آیت‌الله حسن حسن زاده آملی را به معرفی بنشینیم. بزرگداشت نامه‌ای که از آن سخن می‌رود از سوی «مؤسسه آموزشی و پژوهشی نفحات» تهیه شده و انتشارات آل احمد آن را مطبوع ساخته است. نسخه پی‌دی‌افی آن نیز در فضای مجازی در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. تارنمای طاقچه درباره محتوای این کتاب، به نکات پی آمده اشارت برده است:

«یادنامه علامه ذوالفنون آیت‌الله حسن حسن‌زاده آملی (ره)، اثری ناداستانی و پژوهشی است که به مناسبت اولین سالگرد ارتحال این عالم برجسته تدوین شده است. کتاب ساختاری چندبخشی دارد و در قالب یادنامه، مجموعه‌ای از پیام‌های تسلیت شخصیت‌های برجسته، زندگینامه خودنوشت، گفت‌وگو با شاگردان، تحلیل ابعاد علمی و عملی، بررسی نقش اجتماعی و انقلابی و همچنین اسناد و تصاویر مرتبط با وی را ارائه می‌دهد. این اثر با گردآوری دیدگاه‌های مختلف و روایت‌های متنوع، تصویری جامع از زندگی و شخصیت این عالم ذوالفنون ترسیم می‌کند. در کنار روایت زندگی و فعالیت‌های علمی، به نقش اجتماعی و انقلابی ایشان نیز پرداخته و تلاش شده است، تا ابعاد کمتر شناخته‌شده شخصیت او برای مخاطبان روشن شود. همانگونه که اشارت رفت، قالب کتاب، ترکیبی از مقالات، خاطرات، پیام‌ها و اسناد است که هرکدام بخشی از زوایای زندگی و اندیشه‌های علامه فقید را بازتاب می‌دهد. این کتاب با گردآوری پیام‌های تسلیت رهبر انقلاب، مراجع تقلید و مسئولان

زنده‌یاد آیت‌الله علامه حسن حسن‌زاده آملی

کشوری آغاز می‌شود و جایگاه ویژه آن دانشی مرد را در میان علما و جامعه علمی و سیاسی ایران نشان می‌دهد. در ادامه، زندگینامه‌ای خودنوشت از زبان ایشان آمده که از دوران کودکی در روستای ایرای لاریجان آمل، تأثیر والدین، تحصیلات ابتدایی، ورود به مکتب و حوزه علمیه، مهاجرت به تهران و قم و مسیر پر فراز و نشیب علمی و معنوی او را روایت می‌کند. این بخش‌ها به نقش خانواده، اساتید و شرایط اجتماعی زمانه در شکل‌گیری شخصیت علمی و معنوی او اشاره دارند. در بخش‌های بعدی، شاگردان و اساتید برجسته حوزه علمیه قم، ابعاد علمی، عرفانی، فلسفی و اخلاقی زنده‌یاد حسن‌زاده آملی را از منظر خود بیان می‌کنند. این روایت‌ها به جامعیت علمی، سلوک معنوی، تربیت شاگردان و تأثیرگذاری او در حوزه‌های مختلف علوم، از جمله فلسفه، عرفان، ریاضیات و نجوم می‌پردازد. همچنین به نقش او در ترویج معارف اسلامی، احیای سنت‌های حکمی و عرفانی و پیوند زدن علم و عمل نیز اشاره شده است. کتاب در ادامه به بررسی تعاملات استاد با انقلاب اسلامی و نقش او در تحولات اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. در این بخش خاطرات و مصاحبه‌هایی با شاگردان، درباره مواضع انقلابی، فعالیت‌های اجتماعی و ارتباط او با مردم و مسئولان و تصویری از حضور فعال او در متن جامعه ارائه می‌شود. در بخش پایانی، اسناد و تصاویری از زندگی و فعالیت‌های علمی و اجتماعی آن مرحوم عرضه شده است. این کتاب فرصتی را فراهم می‌کند تا مخاطب با زندگی و اندیشه‌های یکی از چهره‌های کم‌نظیر حوزه‌های علمیه و علوم اسلامی آشنا شود. خواننده می‌تواند با مطالعه این اثر، با سیر تحولات فکری و معنوی یک عالم پرآوازه و نقش او در پیوند علم و عمل و حضور فعال در جامعه و انقلاب اسلامی آشنا شود. این یادنامه نه‌تنها برای علاقه‌مندان به تاریخ معاصر علم و دین، بلکه برای کسانی که دغدغه شناخت الگوهای جامع علمی و اخلاقی دارند، منبعی ارزشمند به‌شمار می‌آید و مطالعه آن توصیه می‌شود....»

دهه ۸۰. دیدار رهبر معظم انقلاب اسلامی با علامه حسن حسن‌زاده آملی

علامه ذوالفنون حسن حسن‌زاده آملی، آیینه‌دار لطف حق - بخش پایانی

حفظ نظام اسلامی حفظ حقیقت قرآن است

■ مجید فرخزادی*

آغازین بخش از این یادمان را روز گذشته از نظر گذراندید؛ اینک واپسین بخش از آن را پیش روی دارید. امید آنکه علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■■■

■ **دروغ‌های «بوق علیشاهی» درباره علامه**

بعد از رحلت اسفانگیز علامه حسن‌زاده آملی، بعضی از مدعیان قطبیت فرق متصوفه (و به قول حضرت علامه که با مطایبه آنها را «بوق علیشاهی» می‌نامیدند)، همانند گذشتگان گمراه خود، چون همیشه و البته منافقانه تلاش داشتند تا علمایی که مشی اخلاقی و عرفانی داشتند را به سود نفع خود مصادره کنند تا از این رهگذر برای خود پوستینی بدوزند! آنان برای اعتباربخشی هرچه بیشتر به فرقه خود مذبوحانه و بی‌شرمانه درصدد برآمدند تا طعمه لذیذی همچون علامه ذوالفنون (فقیه، مجتهد، مفسر و عارف توحیدی- ولایی و...) را که زانو زده در محضر نوادر حوزه‌های علمیه شیعی ناب بود را از آن خود کنند که خوشبختانه تیرشان به سنگ خورد! بازکردن این موضوع، واقعاً دون شأن علامه حسن‌زاده آملی است، ولی برای برملاشدن دروغ‌های بوق علیشاهی‌ها مجبور به این اشاره شدیم که دوستان نامطلع و افتاده در دامان تبلیغات دروغین، دین خود را به دنیای دیگران نفروشند! «العاقل یکفیه الاشاره» (ر.ک: پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب.) بی‌مناسبت نیست که حجت‌الاسلام عباسی استاد سطوح عالی حوزه و از خوشه چینان محضر استاد علامه در مراسم بزرگداشت استاد فرزانه خویش در حرم مطهر حضرت معصومه (س)، داد سخن و هشدار و انذار داد:

«خطری که از سوی نابخردان غیرعامل غیرعارف احساس می‌شود، این است که ایشان را تحریف کنند. نکند کسانی که حتی از کنار درس حضرت استاد رد نشدند و هیچ درسی از ایشان نیاموخته‌اند، خود را به عنوان شاگرد ایشان معرفی کنند... شاگردان حسن‌زاده علامه نگذارند که ایشان تحریف شود. اگر می‌بینید کسی مرید پروری می‌کند، این شاگرد استاد نبوده و نیست و اینطور افراد به دنبال دنیا هستند، دنبال مصادره کردن شخصیت‌ها هستند....»(خبرگزاری رسا، ۹ مهر ۱۴۰۰)

■ **سخاوت و مطایبات شیرین علامه**

آقای اسماعیل احمدی مقدم فرمانده سابق ناجا، خاطره دیدار خود و برخی از همکارانش با علامه حسن‌زاده آملی در قم را که برای همه همراهانش هم از جهت معنوی و البته مادی پربار بود را اینگونه روایت می‌کند: «یادم هست یک‌بار (حدوداً حداقل سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸) در قم به دیدار آیت‌الله حسن‌زاده آملی (اعلی‌الله مقامه‌الشریف) رفتیم. منزل ساده‌ای در همان خیابان صفائیه داشتند. بی‌تکلف بودند و از همان اول که زنگ در را زدیم، خودشان تشریف آوردند و در را باز کردند... حدود ۱۵ دقیقه آیت‌الله حسن‌زاده آملی سربه‌سر جمع ما گذاشتند و با خوش‌مشربی با همه شوخی کردند. از جمله مطالب و نکات بسیاری داشتند که تازگی داشت و در خلق شوخی‌های لطیف و زیبا ذهن نکته‌پردازی‌های جالبی می‌کردند. وقتی خواستیم از حضورشان مرخص شویم، بچه‌هایی که همراه بودند و از شوخی‌های علامه خیلی کیف کرده بودند، گفتند حاج آقا ما تبرکاً اجازه داریم که همه این نارنگی‌ها را برداریم؟ آقا فرمودند بله همه‌اش را میل بفرمایید. یکی از دوستان به علامه حسن‌زاده عرض کرد آقا! ما پای منبر علما یاد گرفته‌ایم که مطهرات غیر از آنچه در رساله‌های فقهی آمده، دو چیز دیگر هم هست، یکی غذای نذری امام‌حسین (ع) و یکی هم وقتی است که به منزل اهل علم می‌روید، هم بخورید و هم از باب تبرک ببَرید! علامه حسن‌زاده تبسمی کردند و فرمودند: بله هرچه می‌خواهید بخورید و هرچه هم می‌خواهید، ببَرید! بعد هم خودشان برخاستند و رفتند و با یک جعبه نارنگی برگشتند. آن جعبه را خودشان تا دم درآوردند و جعبه را به بچه‌ها دادند و فرمودند همه‌اش را ببَرید! علامه حسن‌زاده، اهل شمال بودند و معلوم بود که به تازگی برای‌شان از شمال مقداری نارنگی آورده بودند. وقتی که دم در رسیدیم یکی از بچه‌ها گفت: حاج‌آقا الان نزدیک ظهر است! فکر کردیم الان به ما ناهار می‌دهید! علامه حسن‌زاده تبسمی کردند و فرمودند: البته که ناهار هم می‌دهیم. بعد فرمودند: چند حالت دارد که می‌توانیم در خدمت شما باشیم. می‌توانید همین‌جا تشریف داشته باشید که بگوییم ناهار را بیاورند و همین‌جا صرف بفرمایید. حالت دیگر این است که تشریف ببرید در محلی خارج از منزل به نیابت از من از شما پذیرایی کنند. حالت سوم هم این است که به قول شما بچه‌های نیروی انتظامی خشکه حساب کنیم! منظور شریف‌شان از خشکه حساب کردن این بود که مبلغ مربوط به غذا را به میهمانان بدهند تا بچه‌ها هرچه خودشان دوست دارند، سفارش دهند و میل کنند. بعد هم چون ما باید رفع زحمت می‌کردیم و امکان ماندن نداشتیم، ایشان در جیب‌شان دست کردند و به هرکدام از بچه‌ها مبلغی پول دادند و فرمودند: بروید بهترین ناهار را نوش جان کنید، همگی میهمان من هستید! مبلغی که علامه حسن‌زاده به هریک از ما مرحمت کردند، چندبرابر قیمت بهترین ناهاری بود که بچه‌ها می‌توانستند تهیه کنند. پذیرایی مرحوم علامه از همه نظر عالی بود و دست سخاوت‌شان هم بس گشوده و باز. نه فقط به کسانی که توفیق حضور در منزل‌شان را یافته بودند، این مبلغ اهدایی برای ناهار را مرحمت کردند، بلکه تا سر کوچه آمدند و همه کسانی را هم که به نحوی از انحا در دیدار با علامه حسن‌زاده با ما همراهی و به ما کمک کرده بودند، شخصاً ملاقات کردند و تک‌تک آنان را نیز با دست خودشان، مورد محبت و لطف قرار دادند، در حالی که می‌توانستند به فرزندشان این موضوع را بسپارند....» (خبرگزاری مهر، ۱ آبان ۱۴۰۰)

آقای محمود اسعدی نیز درباره سخاوت علامه می‌نویسد: «آقای دکتر گلشنی از من خواست که حق‌التألیف کتاب استاد را تحویل دهم. وقتی با چند همراه خدمت ایشان رسیدم، ابتدا پاکت پول را تقدیم کردم و توضیح دادم. ایشان پذیرفت آن را به گوشه‌ای گذاشت و به گفت‌وگو مشغول شدیم تا ظهر شد و هنگام نماز و ناهار. ناگاه علامه پاکت حاوی حق‌التألیف کتاب‌شان را آوردند و به بهانه ناهار، پول‌ها را بین گروه تصویربرداری تقسیم کردند. سپس گفتند چون برای من سخت است که خودم ناهار تهیه کنم، خودتان زحمتش را بکشید! در حالی که مبلغ بسیار بیشتر بود....» (خبرآنلاین: ۸ مهر ۱۴۰۰)

■ **رسیدگی به احوال مستمندان**

استاد احمد عابدی از شاگردان علامه، روایت رسیدگی به احوال افراد مستمند از سوی ایشان را اینگونه بیان می‌کند: «ایشان هر سال، خودشان با حق‌التألیف و این قبیل پول‌هایی که به دست‌شان می‌رسید، از آمل چند کامیون برنج خریداری و آن را در قم و میان فقرا توزیع می‌کردند. معمولاً اول ماه مبارک رمضان، منزل خود را پر از برنج می‌کردند و به افراد نیازمند می‌دادند....» (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر استاد احمد عابدی، دوشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۰)

■ **با مردم و در میان مردم**

از خصوصیات بارز علمای ربانی، حضور در جمع مردم و ارتباط با آنان است. این سنت حسنه از دیرباز در ایران رواج داشته و بحمدالله هنوز گسسته نشده است. عالمان ربانی همانند هادیانی دلسوز، با حضور در میان مردم کوچه و بازار، ضمن بیان نصایح دینی، اجتماعی و اخلاقی برای اقشار مختلف و

دهه ۷۰. علامه حسن حسن‌زاده آملی در حاشیه بازدید از یکی از مؤسسات پژوهشی حوزه علمیه قم

> **علامه حسن‌زاده آملی به کرات، به شاگردان، مستمعین، مسئولان و مردم، نسبت به حفظ و حراست از نظام اسلامی و اطاعت از رهبر معظم انقلاب، تأکید و توصیه می‌کرد. از جمله می‌فرمود: «از یادتان نرود که چه زحماتی متقبل شدید، الان تکلیف به گردن شما آمده، حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران، حفظ حقیقت قرآن است. ما برای حفظ حقیقت قرآن تکلیف داریم، تکلیف ما خیلی سنگین است....»**

> **ارتباط و علاقه‌مندی میان علامه حسن‌زاده آملی و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و ادعیه آن عارف نامور درباره زعیم امت اسلامی، زبانزد خاص و عام بود. ایشان در یکی از دیدارهای خود با رهبری، دو زانو در برابر معظم له نشسته و ایشان را مولا خطاب می‌کنند! آقا ناراحت شدند و به علامه فرمودند: لطفاً این کار را نکنید. علامه حسن‌زاده در پاسخ گفتند: اگر یک مکروه از شما سراغ داشتم، قطعاً این کار را نمی‌کردم!**

شنیدن حرف‌های آنان، ارتباطات مستحکمی بین روحانیت و مردم برقرار می‌کردند که ثمره آن باعث تحکیم بنیان‌های اجتماعی و خانوادگی می‌گردید. علامه حسن‌زاده در زمره آن طیف فقیهان و عارفانی است که در کنار درس و بحث، این رسالت روحانی خویش را فراموش نمی‌کرد و همانطور که در دسترس اهل علم بود، برای مردم نیز همانند خانواده خویش، وقت می‌گذاشت و با بیانی شیرین و همه فهم، وظیفه هدایتگری خویش را انجام می‌داد. حجت‌الاسلام هادی عباسی خراسانی از شاگردان علامه می‌گوید: «یک موقعی، من برای اینکه بیشتر از محضر ایشان استفاده کنم، گفتم شما اگر این چند روز را که به شهر آمل می‌روید، در اینجا باشید برای ما بهتر است تا از محضرتان بیشتر استفاده کنیم. ایشان گفت حق با شماست، اما بازاریان و مردم هم نیاز به ما دارند. به آنجا می‌رفتند و برای مردم بازاری، درس معرفت می‌دادند.» (خبرگزاری حوزه، ۶ آبان ۱۴۰۰)

حجت‌الاسلام احمد عابدی از خوشه‌چینان محضر علامه نیز این نکته را از نظر دور نداشته است: «آیت‌الله حسن‌زاده آن بحث‌های عرفانی، آن چله‌نشینی‌ها را داشت، اما در میان مردم بود... راننده و محافظی نداشت و با همین ماشین‌های عبوری می‌رفت و می‌آمد و با مردم ارتباط داشت. ایشان پیاده به درس می‌آمد و باز می‌گشت و با طلاب و مردم، صمیمانه و بی‌تکلف مصاحبت می‌کرد. شخصاً به مغازه می‌رفت و احتیاجات منزل را تهیه می‌کرد. در کوچه ممتاز یک لبنیاتی وجود دارد. من می‌دانستم که ایشان ساعت چهار بعدازظهر از آن لبنیاتی خرید می‌کند. معنای حضور در میان مردم این است که می‌بیند مردم چه مشکلاتی دارند....» (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر استاد احمد عابدی، دوشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۰) حجت‌الاسلام سیدمحمدهادی قائمی از شاگردان حوزه درسی علامه، تلاش سخت و طاقت‌فرسای ایشان برای هدایتگری مردم را اینگونه روایت کرده است: «ایشان اهتمام بسیاری برای رسیدگی به کارهای مردم داشتند و در زمانی که امام جمعه آمل بودند، بعدازظهر چهارشنبه به خیابان پل آهنچی قم می‌رفتند و ماشین به ماشین خود را به آمل می‌رساندند و پنج‌شنبه و جمعه خود را به مردم آمل اختصاص می‌دادند. در همین آمل، خانه‌های بسیاری را برای نیازمندان ساختند و به آنان کمک کرده‌اند و بعدازظهر جمعه، مجدداً ماشین به ماشین خود را از آمل به قم می‌رساندند و صبح شنبه کلاس درس خود را برگزار می‌کردند. ایشان در روز آخری هم که از مردم آمل خداحافظی کردند، کیسه پولی را که به یتیمان و نیازمندان اختصاص داده بودند در تریبون نماز جمعه نشان دادند و گفتند: این کیسه خالی است، چیزی ندارم و دارم می‌روم! علامه درباره آن روز هم می‌گفت: این قدر پول نداشتم که ماشین بگیرم و به قم برگردم! ۱۰۰ تومان قرض کردم و با همین خودم را به قم رساندم...» (خبرگزاری حوزه، یک‌شنبه ۲۹ مهر ۱۴۰۳)

■ **تذکر دلسوزانه علامه، در مراقبت نسبت به محرم و نامحرم**

در پایان یکی از سخنرانی‌های عمومی علامه حسن‌زاده آملی، خانمی با صدای بلند از حضار می‌خواهد که برای سلامتی حضرت علامه صلوات بفرستند! زمانی که جمعیت (مرد و زن) صلوات می‌فرستند، حضرت علامه بلافاصله واکنش دلسوزانه، اخلاقی و درس آموزی از خود نشان می‌دهند و می‌فرمایند: «این (صاحب صدا) خانم نبود؟ این خانم نبود؟ نبود خانم؟ فرزند من، عزیز فرزند من، شما خانم هستی، فرزند منی، دختر منی، مادرجان! مواظب محرم و نامحرم باش حق نداری شما در میان این همه نامحرم بگویید صلوات، نباید، نباید فرزند من خیر ببینی ان‌شاءالله...» (سایت ره‌توشه، ۳۰ فروردین ۱۴۰۱)

■ **حضور در صف نخست مبارزات انقلاب اسلامی**

علامه حسن‌زاده آملی از آن روی که مظالم دوران پهلوی‌ها را به چشم دیده بود، به ویژه حملاتی که به ساحت دین و دینداران در آن دوره صورت می‌گرفت، با انگیزه فراوان در نهضت اسلامی شرکت جُست. وی در باب مشاهدات خود در دوره پهلوی اول، چنین روایت کرده است: «بنده از خاطرم نمی‌رود که بدون هیچ استثنا، مساجد شهر ما، آمل را [در دوره رضاخان] انبار پنبه و غلات و اینجور چیزها قرار داده بودند! ستمشاهی که می‌شنوید، به معنای واقعی کلمه ستمشاهی بود. آن سال که ما طلبه شدیم، رضاخان اوضاعی برای کشور پیش آورده بود. در آن زمان، گویا رضاخان به لحاظ امیال نفسانی تا حدودی نمی‌خواست به ساز آن کسانی که او را سَر کار آوردند برقصد، آن زمان بود که او را سرنگون کردند و چنان بود که مساجد اینگونه شده بود... یکی از مساجد شهر ما را (که حالا آن را آباد کرده و ساخته‌اند) طویله کرده بودند! مردم که از دهات، با اسب و استر می‌آمدند، آنجا را مورد استفاده قرار می‌دادند. فوق این حرف هم هست که به لحاظ اینکه خلاف ادب می‌شود، نمی‌خواهم عرض نمی‌کنم...»

حجت‌الاسلام حسینی آملی استاد حوزه علمیه و از شاگردان علامه می‌گوید: «خاطرم هست که مرحوم علامه حسن‌زاده آملی، دین خدا را ناموس خدا می‌دانست و در خطبه نماز جمعه سال ۱۳۵۵، در اعتراض به تغییر تاریخ از هجری شمسی به شاهنشاهی از سوی رژیم پهلوی گفت، اکنون که این رژیم به دین خدا یعنی ناموس خدا دست دراز کرده، خدا دیگر تحمل نخواهد کرد... مرحوم علامه، مکرراً در راهپیمایی‌ها و تظاهرات علیه رژیم پهلوی شرکت می‌کرد و نسبت به اعتراض سیاسی علیه رژیم منحوس، بسیار مُصِر بود....» (خبرگزاری حوزه، پنج‌شنبه ۵ مهر ۱۴۰۳)

■ **ماجرای جانبازی علامه در راه انقلاب اسلامی**

علامه حسن‌زاده، روایت جالبی از جانبازی خود در کوران حوادث انقلاب اسلامی در قم را - که تا پایان عمر عوارض این آسیب همراهش بود- بیان داشته است: «در بحبوحه انقلاب اسلامی در مسجد اعظم قم مشغول افاده و افاضه به طلاب حوزه علمیه بودیم که مورد هجوم عوامل رژیم منحوس شاه قرار گرفته و از ناحیه قفسه سینه، شدیداً مورد آسیب قرار گرفتم. در آن موقع وقتی به خود آمدم، فکر کردم که به دلیل هجوم آن یاغیان، ساعتم که در جیبم بوده شکسته است، ولی دیدم نه، دنده‌ها آسیب دیده و شکسته و به طرف قلبم خم شده است....» (پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی، یک‌شنبه ۴ مهر ۱۴۰۰)

■ **علامه حسن‌زاده آملی و ارتباط صمیمانه با رهبر معظم انقلاب اسلامی**

ارتباط و علاقه‌مندی مابین حضرت علامه و رهبر معظم انقلاب اسلامی، زبانزد خاص و عام بود. حضرت علامه شخصیتی نبود که بخواهد بدون دلیل و حجت شرعی، از فرد یا افرادی تعریف و تمجید کند، اما روایت است که در یکی از دیدارهای خود با رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت علامه دو زانو جلوی حضرت آقا نشسته و ایشان را مولا خطاب می‌کنند! آقا ناراحت شده و به علامه می‌فرمایند: «لطفاً این کار را نکنید.» علامه حسن‌زاده در پاسخ می‌گویند: «اگر یک مکروه از شما سراغ داشتم، این کار را نمی‌کردم.» یکی از شاگردان ایشان نیز درخصوص این دیدار خاطره جالبی را به تاریخ سپرده‌اند. وی یک روز پس از سفر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به آمل، به دیدار علامه رفته و ایشان طی آن نکته‌ای درخصوص دیدار فوق آمده فرموده‌اند: «اگر یک میکرون در آقای خامنه‌ای غل و غش، ناخالصی و هر تعبیری می‌خواهید بکنید، یک میکرون، یک میلیونوم، یک هزارم اینها در ایشان می‌دیدم، نمی‌آمدم، چه کار دارم؟....» (خبرگزاری دانشجو۱۳۹۱/۴/۱۸)

حجت‌الاسلام استاد رمضانی از شاگردان حضرت علامه می‌گوید: «روزی خدمت علامه بودم و در مورد تعابیری همچون: قائد ولی وفی، رائد سائس وفی، مصداق بارز نرفع درجات من یشاء و دادار عالم و آدم همواره سالار و سرورم را سالم و مسرور دارد که ایشان برای مقام معظم رهبری به کار برده‌اند، گفت‌وگو و سؤال کردم، چراکه در آن زمان برخی نتوانستند این ستایش‌ها را تحمل کنند و به استاد خرده گرفتند! وی افزود: به استاد عرض کردم که برخی عبارات شما در تمجید از مقام معظم رهبری را برنتافته‌اند. ایشان فرمودند: این عناوین بسیار خوب و بجا بود و از نظر بنده هیچ مشکلی ندارد....» (فارس نیوز)

■ **وصیت به حفظ نظام اسلامی**

مرحوم علامه حسن‌زاده آملی بارها و بارها به شاگردان، مستمعین، مسئولان و مردم نسبت به حفظ و حراست از نظام اسلامی و اطاعت از رهبر معظم انقلاب اسلامی، تأکید و توصیه می‌کرد. از جمله می‌فرمود: «از یادتان نرود که چه زحماتی متقبل شدید، الان تکلیف به گردن شما آمده، حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران، حفظ حقیقت قرآن است. ما برای حفظ حقیقت قرآن تکلیف داریم، تکلیف ما خیلی سنگین است، توقع خیلی سنگینی از شما داریم....» (جمال سالکین، ص ۱۷۵) یا «گوش‌تان به دهان رهبر باشد، چون ایشان گوش‌شان به دهان حجت‌بن‌الحسن (عج) است....» (خبرگزاری دانشجو۱۳۹۱/۴/۱۸)

■ **و کلام آخر**

در پایان این مقال، دست به‌سوی آسمان برمی‌داریم و دعایی که حضرت علامه حسن‌زاده آملی بارها آن را در مجامع مختلف ایراد می‌فرمود را زمزمه می‌کنیم: «خدایا به حق پیغمبر و آل پیغمبر، سایه این بزرگمرد، این رهبر اصیل اسلامی، حضرت آیت‌الله، آیت‌الله معظم، خامنه‌ای عزیز را مستدام بدار. الهی آمین، الهی آمین، الهی آمین. به عدد کلماتت آمین....» (سخنرانی در کنگره تجلیل از شخصیت ادبی معظم له در آذر ۱۳۷۶ در آمل)

* پژوهشگر رجال اسلامی